

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِنَّهُ خَيْرُ نَاصِرٍ وَمَعِينٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ



اللَّهُمَّ أَفْضُ صَلَاةٍ صَلَوَاتِكَ وَسَلَامَةٍ تَسْلِيمَاتِكَ * عَلَى شَجَرَةِ الطُّورِ وَابْتِئَانِ الْمَعْمُورِ *
السِّرِّ الْمَسْتُورِ وَآيَةِ النَّوْرِ * كَلِيمِ أَيْمَنِ الْإِمَامَةِ * مَنْشَأِ الشَّرَفِ وَالْكَرَامَةِ * نُورِ مِصْبَاحِ الْأَرْوَاحِ
وَجَلَاءِ زُجَاجَةِ الْأَشْبَاحِ * مَاءِ التَّخْمِيرِ الْأَرْبَعِيْنَ * وَغَايَةِ مَعَارِجِ الْيَقِينِ * إِكْسِيرِ فَلِزَاتِ
الْعُرْفَاءِ * مَعْيَارِ تَقْوَدِ الْأَصْفِيَاءِ * مَرْكَزِ الْأَيْمَةِ الْعُلَوِيَّةِ * مِحْوَرِ الْفَلَكِ الْمُصْطَفَوِيَّةِ * الْأَمْرِ لِلصُّورِ
وَالْأَشْكَالِ بِقَبُولِ الْأَصْطِبَارِ وَالْإِثْقَالِ * النَّوْرِ الْأَنْوَرِ * مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْأَكْبَرِ

دوشنبه ۲۵ ماه ذی قعدہ ۱۴۲۹ سالروز ولادت با سعادت حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام را

به حضرت قدسیه وجه الله و قبله حقیقیه عباد الله مولانا صاحب الامر ارواحنا فداه تبریک عرض می کنیم

منتہی الامال: **ولادت با سعادت آن** حضرت در سنہ صد و بیست و ہشت در ابواء - کہ نام منزلی است مابین مکہ و مدینہ - واقع شدہ، اسم شریف آن حضرت موسیٰ و کنیت مشہورش **ابوالحسن و ابو ابراہیم**، و القاب آن جناب: کاظم و صابر و صالح و امین است و لقب مشہورش **ہمان کاظم** است یعنی **خاموش و فرو برندہ** **خشم** چہ آن حضرت از دست دشمنان کشید آنچہ کشید و بر ایشان نفرین نکرد، حتی آنکہ در ایام حبس مکرر در کمین در آمدند و از آن حضرت یک کلمہ سخن خشم آمیز نشنیدند. و ابن اثیر کہ از متعصبان اہل سنت است گفتہ: آن حضرت را کاظم لقب دادند بہ جهت آنکہ **احسان می کرد با**



ہرکس کہ با او بدی می کرد و این عادت او بود ہمیشہ ولکن اصحابش بہ جهت تقیہ گاہی از آن جناب بہ (عبد صالح) و گاہی بہ (فقیہ) و (عالم) و غیر ذلک تعبیر می کردند، و در میان مردم بہ **(باب الحوائج)** معروف است و توسل بہ آن حضرت برای شفاء امراض و بیماریہا و رفع امراض ظاہری و باطنی و دردہای اعضاء خصوصاً درد چشم مجرب است.

و نقش خاتم آن حضرت (حَسْبِيَ اللَّهُ) و بہ روایت دیگر (أَلْمَلِكُ لِلَّهِ وَحْدَهُ) بودہ.
و والدہ آن حضرت علیا مخدرہ حمیدہ مصفاة است کہ از اشراف اعظم بودہ. حضرت باقر (علیہ السلام) در حق او فرمودہ: حمیدة فی الدنیا محمودة فی الآخرة، و او را حمیدہ مصفاة میگویند بہ جهت آنکہ حضرت صادق (علیہ السلام) در حق او فرمودہ: حمیدة مصفاة من الادناس کسبیکة الذهب ما زالت الاملاک تحرسها حتی ادیت الی کرامة من اللہ لی و الحجة من بعدی.

حضرت صادق علیہ السلام فرمودہ کہ حمیدہ تصفیہ شدہ از ہر دنس و چرکی مانند شمش طلا، پیوستہ ملائکہ او را حراست و پاسیانی می نمودند تا رسید بہ من بہ سبب آن کرامتی کہ از حق تعالی است برای من و حجت بعد از من.
 شیخ کلینی و قطب راوندی و دیگران روایت کردہ اند کہ ابن عکاشہ اسدی بہ خدمت حضرت امام محمد باقر علیہ السلام آمد و حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام در خدمت آن حضرت ایستادہ بود حضرت او را اعزاز و اکرام نمود و انگوری برای او طلبید، در اثنای سخن ابن عکاشہ عرض کرد کہ یابن رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم! چرا جعفر را تزویج نمی نمایی بہ حد تزویج رسیدہ است؟ و ہمیان زری نزد حضرت گذاشتہ بود، **حضرت فرمود کہ در این زودی بردہ فروشی از اہل بربر خواهد**





آمد و در خانه میمون فرود خواهد آمد و به این زر از برای او کنیزی خواهد خرید. **راوی گفت:** بعد از چند روز دیگر به خدمت آن حضرت رفتم، **فرمود** که می خواهید شما را خبر دهم از آن برده فروشی که من گفتم برای جعفر از او کنیز خواهم خرید، اکنون آمده است بروید و به این همیان از او کنیزی بخرید.

چون به نزد آن برده فروشی رفتیم، گفت: کنیزانی که داشتم همه را فروخته ام و نمانده است نزد من مگر دو کنیز، یکی از دیگری بهتر است گفتیم بیرون آور ایشان را تا ببینیم، چون ایشان را بیرون آورد **گفتیم: آن جاربه که نیکوتر است به چند می فروشی؟** گفت: قیمت آخرش هفتاد دینار

است، گفتیم: احسان کن و از قیمت چیزی کم کن، گفت: هیچ کم نمی کنم، ما گفتیم به آنچه در این کیسه است ما می خریم، مرد ریش سفیدی نزد او بود گفت بگشایید مهر او را و بشمارید، نخاس گفت: عیب نگشایید که اگر يك حبه از هفتاد دینار کمتر است نمی فروشم. آن مرد پیر گفت: بگشایید و بشمارید! **چون شمردیم هفتاد دینار بود نه زیاد و نه کم!**

پس آن جاربه را گرفتیم و به خدمت حضرت آوردیم و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نزد آن حضرت ایستاده بود و آنچه گذشته بود به خدمت آن حضرت عرض کردیم، حضرت ما را حمد کرد و از جاربه سؤال نمود که چه نام داری؟ گفت: حمیده نام دارم، حضرت فرمود که پسندیده ای در دنیا و ستایش کرده خواهی بود در آخرت.

مؤلف گوید: که آنچه بر من ظاهر شده از بعض روایات آن است که آن مخدره چندان فقیهه و عالمه به احکام و مسایل بوده که حضرت صادق علیه السلام زنها را امر می فرموده که رجوع به او نمایند در اخذ مسایل و احکام دین.



ولادت حضرت امام کاظم در کلام حازمان وحی عظیم السلام

حدیثی که شرح ولادت حضرتش علیه السلام را بیان می کند يك حدیث بیشتر نبوده و آن حدیث ابوبصیر است که خود در هنگام تولد؛ حاضر و جزو کاروان امام صادق علیه السلام بوده، و این شرح واقعه را همه مشایخ حدیث اهل بیت متفقاً نقل کرده اند، و بر همگان معروف بوده و در آن اختلافی نیست، و در آن آمده است که حضرت امام صادق علیه السلام از مدینه عازم حج بیت الله الحرام بودند مادر امام موسی کاظم علیه السلام نیز همراه بوده و در آنوقت به حضرت امام کاظم علیه السلام آبستن بودند، تا به منزل ابواء (که تقریباً يك سوم راه مدینه مکه است) رسیدند؛ حضرت امام موسی علیه السلام در آنجا بدنیا آمدند:



شیخ کلینی و صفار و سایر مشایخ حدیث از ابوبصیر روایت کرده اند که گفت:

در سالی که حضرت امام موسی علیه السلام متولد شد من در خدمت حضرت صادق علیه السلام به سفر حج رفتم، چون به منزل (ابواء) رسیدیم حضرت برای ما چاشت طلبید و بسیار و نیکو آوردند، در اثنای طعام خوردن یکی از جانب حمیده به خدمت آن حضرت آمد و عرض کرد که حمیده می گوید اثر وضع حمل در من ظاهر شده است و فرموده بودی که چون اثر ظاهر شود تو را خبر کنم که این فرزند مثل فرزندان دیگر نیست.

پس حضرت شاد و خوشحال برخاست و متوجه خیمه حرم شد و بعد از اندک زمانی معاودت نمود شکفته و خندان و آستینهای مبارک خود را بر زده بود، گفتیم: خدا همیشه دهان ترا خندان و دل تو را شادان بدارد و حال حمیده چگونه شده؟ حضرت فرمود که حق تعالی پسری به من عطا کرد که بهترین خلق خدا است و حمیده مرا به امری خبر داد از او که من از او مطلعتر بودم به آن،

ابوبصیر گفت: فدای تو شوم! چه چیز خبر داد تو را حمیده؟ حضرت فرمود که حمیده گفت: چون آن مولود مبارک به زمین آمد دستهای خود را بر زمین گذاشت و سر خود را به سوی آسمان بلند کرد، من به او گفتم که چنین است علامت ولادت حضرت رسالت و هر امامی که بعد از او هست.

تحقیق در تاریخ ولادت امام موسی کاظم علیه السلام

در آن زمان اهل مدینه برای حج در دهه آخر ذی قعدة عازم مکه می شدند و حدوداً ۱۵ روز در راه بودند تا به مکه برسند، و قاعدتاً باید قبل از شروع اعمال حج به مکه برسند؛ از این رو با توجه به حدیث ولادت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در راه حج؛ قطعاً حضرتش در ماه صفر متولد نشده و در ماه ذی قعدة بدنیا آمده اند، و به احتمال قوی در دهه آخر، و از آنجا که منزل ابواء تقریباً میانه راه و مقداری بیشتر از ثلث راه است، احتمالاً حدود بیست و پنجم ماه ذی قعدة متولد شده اند، از طرفی دیگر یکی از ایامی که زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در آن تأکید شده و از ایام مخصوص زیارت آن حضرت است؛ روز ۲۵ ذی قعدة است، که هر چند این روز به مناسبت دحو الأرض معروف است؛ ولی وجه زیارت امام رضا علیه السلام در این روز قاعدتاً به دحو الأرض مربوط نشده و ارتباط با جهات ولایت تکوینی حضرتش نداشته چه اینکه سایر حضرات نیز در آن مساویند، و وجه اختصاصی به شمار نمی آید، با توجه به ارتباط این ایام



با ولادت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام؛ مناسبترین امر در روز ۲۵ ذی قعدة تشرف به زیارت حضرت امام رضا و تبریک ولادت والد کرامیشان علیه السلام می باشد، و ارتباط روز زیارت مخصوصه امام رضا بودن ۲۵ ذی قعدة با امر ولادت حضرت کاظم علیه السلام نزدیک و قوی به نظر می رسد، از آنجا که تاریخ دیگری در ماه ذی قعدة و ذی حجه برای ولادتش نقل نشده است، تاریخ ۲۵ ذی قعدة با حدیث ولادت حضرتش انسب و اصح می باشد، به هر حال قول متداول در میان عامه مبنی بر ولادت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در هفتم ماه صفر نادرست و غیر صحیح می باشد.

اعمال شایسته این هنگام

شب بیست و پنجم ماه ذی قعدة:

این شب ، شب **دحوالارض** و از لیالی شریفه است که رحمت خدا در آن نازل میشود و قیام بعبادت در آن اجر بسیار دارد.

روز بیست و پنجم ماه ذی قعدة:

از حسن و شایسته روایت است که گفت من با پدرم در خدمت امام رضا علیه السلام خوردیم در شب بیست و پنجم ماه ذی القعدة، پس فرمود که روزش را روزه بدارد چنان است که شصت ماه روزه داشته باشد

۱- سعی در معرفت بیشتر حضرتشان.
۲- مطالعه و تلاوت کلام خازنان وحی، درباره حضرتشان.

۳- برگزاری مجلس جشنواره و معرفت و مذاکره و مناقب آن حضرت و آنچه در کلام شریف درباره ولادت و فضائل و مناقب و آیات الهی حضرتش آمده؛ و برائت از اعداد و غاصبان و ظالمان و قاتلان.

۴- زیارت حضرت و والدین و فرزندشان و عرض تبریک، از نزدیک (در مشهد رضوی و کاظمی) و از دور در امام بارگاه و بالای بلندی و منزل خود.

۵- انجام عبادات از نماز و تلاوت و اذکار؛ و همچنین اطعام زائران و اهداء ثواب به حضرتش.

* جهت زیارت حرم کاظمین از اتصال مستقیم به حرم شریفین می توانید استفاده نمایید: <http://www.aljawadain.org/live.html>

* همچنین زیارت حرمین شریف کاظمین از طریق فضای آسمانی بوسیله تصاویر ماهواره ای.

اینها اعمالی بود که به مناسبت **ولادت حضرت امام کاظم**؛ شایسته انجام است، اما اعمال دیگری نیز مربوط به **روز بیست و پنجم ذی قعدة** در کلام خازنان وحی وارده شده است که به آن اشاره می کنیم:



۲۵ ذی قعدة روز بسیار مبارکي است، و در آن وقایع متعددي واقع شده است، از جمله آنها نزول اولین رحمت الهي از آسمان بر زمین و نزول کعبه به صورت گوهری درخشان بر زمین و روز **دحوالارض** و روز تاسیس بنای اول کعبه بوسیله حضرت آدم، و نیز ولادت حضرت ابراهیم خلیل الرحمان و ولادت و بعثت حضرت عیسی روح الله است، و نیز روز قیام جهانی حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد، اما به لحاظ اقدمیت دحو الارض به این مناسبت مشهور شده؛ ولی نه اینکه اهمیتش فقط بخاطر این مناسبت است.

و اینروز از آن چهار روز است که در تمام سال به فضیلت روزه امتیاز دارد و روزه اش مثل روزه هفتاد سال است، و در روایت دیگر کفار هفتاد سالست و هر که این روزه را روزه بدارد و شبش را بعبادت بسر آورد از برای او عبادت صد سال نوشته شود و از برای روزه دار اینروز، هر چه در میان آسمان و زمین است، استغفار کند و این روزیست که رحمت خدا در آن منتشر گردیده و از برای عبادت و اجتماع بذکر خدا در این روز، اجر بسیار است.

و از برای این روز اعمالی است:

۱- روزه.

۲- غسل.

۳- سعی در احیای این روز به معرفت و عبادت.

۴- محقق داماد در رساله اربعه ایام خود در اعمال روز دحوالارض گفته که زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در این روز افضل اعمال مستحب و آكد آداب مسنون است.

۵- خواندن این دعا است که شیخ طوسی در مصباح روایت فرموده:

اللَّهُمَّ دَاجِيَ الْكُفْبَةِ، وَفَالِقِ الْحَبَةِ وَصَارِفِ اللَّزْبَةِ، وَكَاشِفِ كُلِّ كَرْبَةٍ، أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ آيَاتِكَ الَّتِي أَعْظَمْتَ حَقَّهَا، وَأَقْدَمْتَ سَبْقَهَا، وَجَعَلْتَهَا عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ وَدِيْعَةً، وَالْيَكِ ذَرْبَةً، وَبِرَحْمَتِكَ الْوَسِيْعَةِ، أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُنْتَجِبِ فِي الْمِيثَاقِ الْقَرِيبِ يَوْمَ التَّلَاقِ، فَاتَّقِ كُلَّ رَتْقٍ، وَدَاعٍ إِلَى كُلِّ حَوْقٍ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَطْهَارِ الْهِدَاةِ الْمَنَارِ، دَعَائِمِ الْحَبَارِ، وَوَلَاةِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَأَعْطِنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا مِنْ عَطَايِكَ الْمَخْزُونِ غَيْرِ مَقْطُوعٍ وَلَا مَمْنُوعٍ، تَجْمَعُ لَنَا بِهِ التَّوْبَةَ وَحَسْنَ الْآوَابَةِ، يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَأَكْرَمِ مَرْجُوٍّ، يَا كَفِيٍّ يَا وَفِيٍّ، يَا مِنْ لَطْفِهِ خَفِيٍّ، الطُّفِّ لِي بِلَطْفِكَ، وَأَسْعِدْنِي بِعَفْوِكَ، وَأَبْدِنِي بِنَصْرِكَ، وَلَا تُنْسِنِي كَرِيمِ ذِكْرِكَ يَوْمَ لَا يُؤَلَّوْا وَحَفْظَةِ سِرِّكَ، وَاحْفَظْنِي مِنَ شَوَابِيهِ الدَّهْرِ إِلَى يَوْمِ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، وَأَشْهَدْنِي أَوْلِيَايَكَ عِنْدَ اللَّهِ وَأَذْكُرْنِي عَلَى طَوْلِ الْيَلْبِي، إِذَا حَلَلْتَ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى، وَنَسِيْتِي النَّاسُونَ مِنَ السُّورِيِّ، وَأَحْلَلْنِي دَارَ الْمَقَامَةِ، وَبِوَيْتِي مَنْزِلَ خُرُوجِ نَفْسِي، وَحُلُوكِ رَمِيْسِي، وَأَنْقِطَاعِ عَمَلِي، وَأَنْقِضَاءِ أَجَلِي، الْكَرَامَةِ، وَأَجْعَلْنِي مِنْ مِرَافِقِي أَوْلِيَايَكَ، وَأَهْلِ اجْتِبَائِكَ وَأَصْطَفَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي لِقَائِكَ، وَأَرْزُقْنِي حَسْبَ الْعَمَلِ قَبْلَ حُلُوكِ الْأَجْلِ، بَرِيئاً مِنَ الزَّلْزَلِ وَسَبُوءِ الْخَطْلِ، اللَّهُمَّ وَأُورِدْنِي حَوْضَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَسْقِنِي مِنْهُ مَشْرَباً رَوْيَاً سَائِغاً هَنِئاً، لَا أَطْمَأْ بَعْدَهُ وَلَا أَحْلَأُ وَرْدَهُ، وَلَا عَنْهُ أَزَادُ، وَأَجْعَلْهُ لِي خَيْرَ زَادٍ، وَأَوْفِي مَبْعَادِ يَوْمِ يَقُومُ الشَّهَادِ، اللَّهُمَّ وَالْعَنْ جَبَابِرَةَ الْأَوْلِيْنَ وَالْآخِرِينَ، وَبِحَقْوَقِ أَوْلِيَايَكَ الْمُسْتَأْثَرِينَ، اللَّهُمَّ وَأَقْصِمِ دَعَائِمَهُمْ، وَأَهْلِكَ أَشْيَاعَهُمْ وَعَامِلَهُمْ، وَعَجَلْ مَهَالِكَهُمْ، وَأَسْلِبْهُمْ مِمَّا لِيَهُمْ، وَضَيِّقْ عَلَيْهِمْ مَسَالِكَهُمْ، وَالْعَنْ مَسَاهِمَهُمْ وَمِشَارِكَهُمْ، اللَّهُمَّ وَعَجَلْ فَرْجَ أَوْلِيَايَكَ، وَأُرِدِّدْ عَلَيْهِمْ مَطَالِمَهُمْ، وَأَظْهَرِ بِالْحَقِّ قَائِمَهُمْ، وَأَجْعَلْهُ لِدِينِكَ مَنْتَصِراً، وَيَأْمُرْكَ فِي أَعْدَائِكَ مُؤْتَمِراً، اللَّهُمَّ أَحْفَفْهُ بِمَلَايِكَةِ النَّصْرِ، وَمَا أَلْقَيْتَ إِلَيْهِ مِنَ الْأَمْرِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مَنْتَقِماً لَكَ حَتَّى تَرْضَى، وَيَعُوذَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَيَّ بِدَيْهِ جَدِيداً غَضاً، وَبِمَحْضِ الْحَقِّ مَحْضاً، وَبِرِضَى الْبَاطِلِ رِضْماً، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى جَمِيعِ آيَاتِهِ، وَأَجْعَلْنَا مِنْ صَحْبِهِ وَأَسْبِرْتِهِ، وَأَبْعَثْنَا فِي كَرْبَتِهِ، حَتَّى تَكُونَ فِي زَمَانِهِ مِنْ أَعْوَابِهِ، اللَّهُمَّ أَدْرِكْ يَنَا قِيَامَهُ، وَأَشْهَدْنَا آيَامَهُ، [على محمد] وَارْدِدْ إِلَيْنَا سَلَامَهُ، وَالسَّلَامَ عَلَيَّ [عَلَيْهِمْ] وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

(یعنی: بارخدایا ای گسترنده خانه کعبه و شکافنده دانه و برطرف کننده سختی و گشاینده هر غم و گرفتاری از تو خواهیم در این روز از روزهایی که بزرگ گرداندی حقیقت را و در سبقت پیشش انداختی و در نزد مؤمنین آن را به ودیعت نهادی و آن را وسیله ای برای آمدن به پیشگاهت و رسیدن برحمت وسیعت قرار دادی که درود فرستی بر محمد بنده برگزیده ات در روز میثاق نزدیک که روز دیدار و ملاقات است آن بزرگواری که هر در بسته ای را گشود و به هر حقی دعوت فرمود و بر خاندان پاکیزه و راهنمایان روشنی بخش و پایه های دین خدا و زمامداران کار بهشت و دوزخند و عطا کن به ما در این روز از عطای موجود در خزینات که نه پایان دارد و نه جلوگیری شود گردآوری بدان برای ما توبه و بازگشت خوبی را بسوی خودت ای بهترین خواننده شدگان و بزرگواریتین مایه امید ای کفایت کننده ای وفادار ای که لطفش در نهان و خفا است بلطف خویش بر من لطف فرما و به عفو سعادتمند کن و به باریت کمکم ده و از یاد کریمانهات فراموشم مکن به حق زمامداران کار خود و نگهبانان رازت و نگاهم دار از آلودگیهای روزگار تا روز حشر و برانگیخته شدن و گواه گیر برایم دوستانت را هنگام جان داندنم و سرزیر شدنم در قبر و به پایان رسیدن کردارم و بسر آمدن عمرم خدایا بادم کن در دوران دراز بوسیده شدنم در آن هنگام که میان توده های خاک وارد شوم و مردم فراموشکار یکسره فراموشم کرده اند و در خانه ماندنی (بهشت) فرودم آر و در منزل کرامت جابم ده و از رفقای دوستانت و برگزیدگان و مخصوصات فرارم ده و دیدارت را بر من مبارک گردان و حسن عمل روزیم کن پیش از آنکه عمرم بسر رسد در حالی که پاك از لغزش و بد کرداری باشم خدایا مرا به حوض پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله (یعنی حوض کوثر) واردم کن و بنوشان مرا از آن حوض نوشاندنی سیراب کننده و روان و گوارا که دیگر تشنه نشوم و از ورود بدان جلوگیری نکنند و بازم ندارند و آن را برایم بهترین توشه راه و کاملترین وعده گاه در روز به پا خواستن گواهان قرار ده خدایا دور ساز از رحمتت سرکشان اولین و آخرین را و آنانکه به حقوق دوستان برگزیده ات تجاوز و تعدی کردند خدایا پایه های حکومتشان را در هم شکن و پیروان و عمالشان را نابود گردان و به هلاکتشان تعجیل کن و مملکتهاشان را از ایشان بگیر و راهها را بر ایشان تنگ فرما و آنانکه با ایشان سهیم و شریک هستند نیز از رحمت دور کن خدایا شتاب کن در فرج دوستانت و حقوق از دست رفته شان را به آنها باز گردان و قائمشان را به حق ظاهر گردان و یاری ستاننده دینت و فرمانروای در میان دشمنانت قرارش ده خدایا فرشتگان باری دهنده را گرداگردش قرار ده و بدان دستوری که در شب قدر بر او فرستی وی را انتقام کشنده برای خودت قرار ده بدان حد که تو خوشنود گردی و دین تو به وسیله او و بدست او بصورت نو و تازه ای درآید و حق کاملاً خالص گردد و باطل یکسره از بین برود خدایا درود فرست بر او و بر همه پدران و فرزند او و بر همه اصحاب و نزدیکانش و در زمان رجعت او ما را برانگیز تا ما در زمان او جزء یارانش باشیم خدایا توفیق درک زمان قیام او را نصیب ما گردان و در روزگار ظهورش ما را حاضر کن و درود فرست بر او و سلام او را بسوی ما بازگردان و سلام و تحیت و رحمت خدا و برکاتش بر او باد)

۶- نمازی که روایت شده و آن دو رکعت است در وقت چاشت، در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سوره وَالشَّمْسُ بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز بخواند لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ (یعنی: جنبش و نیروئی نیست جز به خدای والای بزرگ)

پس دعا کند و بخواند: یا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ أَلْقِنِي عَثْرَتِي، یا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ اجِبْ دَعْوَتِي، یا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ اسْمَعْ صَوْتِي، وَارْحَمْنِي وَتَجَاوَزْ عَن سَيِّئَاتِي وَمَا عِنْدِي، یا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

(یعنی: ای نادیده گیر لغزشها، نادیده بگیر لغزشم را ای اجابت کننده دعاها اجابت کن دعایم را ای شنوای صداها بشنو صدایم را و به من رحم کن و از گناهانم و آنچه بدی دارم درگذر ای صاحب جلال و بزرگواری)

۷- مطالعه و تلاوت کلام وحی و خازنان وحی، درباره وقایع فوق الذکر، و مذاکره آنها.

صلي الله عليك يا باب الحوائج يا موسى بن جعفر عليهما السلام



باز شوری ز سر می زند سر = شور شیرین لبی پر ز شکر * شور عشق بتی ماه رخسار = با قد و قامتی چون صنوبر
حلقه زلف او دام دلها = عنبر آسا به از نافه تر * آنکه در چین زلفش دل من = چون غزالی پریشان و مضطر

روی او دلریا آفت عقل = بوی او جانفزا روح پرور * غمزه اش جانستاند بمژگان = که بشمشیر و گاهی بخنجر
شعله روی او آتش افروز = عاشق کوی او چون سمندر * مطربا شام هجران سحر شد = می دمد صبح و صلی منور

ساز عیشی کن و نغمه ای زن = تا که گوش فلک را کند کر * تا بکوری چشم رقیبان = بهر ه بر دارم از وصل دلبر
ساقیا از خم عشق جانان = باده باید بریزی بساغر * ساغری سبز همچون زمرد = باده ای همچو یاقوت احمر

باده ای تلخ کارد بسر شور = لیک شیرین چه قند مکرر * تا مرا توسن طبع سرکش = رام گردد نه پیچد ز من سر
تا مرا بلبل نطق گویا = عندلیبانه گردد ثنا گر * در مدیح خداوند گیتی = روح عالم ، روان پیمبر

عقل اقدام ، امام مقدم = در حدوث زمانی موخر * نسخه عالیات حروف است = دفتر عشق و عنوان دفتر
مشرق آفتاب حقیقت = مطلع نیر ذات انور * آنکه از نور ذاتست مشتق = وانکه در کائناتست مصدر

کنز مخفی اسرار حکمت = معرفت را است تا بنده گوهر * مظهر غیب مکنون مطلق = اسم اعظم در او رسم مضمهر
شاه اقلیم حسن الهی = کز ستایش بسی هست برتر * ترسم از غیرتش گر بگویم = ماه کنعان غلامی است در بر

یوسف حسن او صد چو یعقوب = در کمند فراقش مسخر * با گلستان حسنش ندارد = پور آزر هراسی ز آذر
با کلیم آنچه شد از تجلی = میکند نور او صد برابر * طور سینا و انی انا الله = روضه قدس و موسی بن جعفر

کاظم الغیظ باب الحوائج = صائم الدهر فی البرد و الحر * قبه کعبه بارگاهش = قبله الناس فی البحر و البرد
آسمان حلقه ای بر در او = بلکه از حلقه ای نیز کمتر * آستان ملک پاسبانش = کوی امید کسری و قیصر

مستجیر درش دشمن دو دوست = مستجار مسلمان و کافر * ای مدیر مناطق دمام = وی مدار دوائر سراسر
نقطه خطه صبر و تسلیم = در محیط مکارم چه محور * در حقیقت توثی شاه مطلق = در طریقت توثی پیرو رهبر

در شریعت تو هفتم امامی = حاکم و معنی چار دفتر * عرش را فرش راه تو خواندم = هاتفی گفت ای پست منظر
طائر سدره المنتهی را = طائر همتش بشکند پر * اولین پایه اش قاب و قوسین = آخرین پایه بگذار و بگذر

آنچه در قوه و هم ناید = کی تواند کند عقل باور * ای امید دل مستمندان = نیست این رسم آقا و چاکر
یا بیفکن مرا در چه گور = یا که از چاه محنت برآور

آیت الله عظیم فقیه عارف و حکیم مرحوم حاج شیخ محمد حسین اصفهانی

والحمد لله رب العالمین